

اسرائیلیات اگر چه در ظاهر برقصی که از منابع یهودی روایت می شود، اطلاق می گردد ولی علمای تفسیر و حدیث آن را بر معنای وسیعتر آن یعنی هر آنچه که از اساطیر قدیمی که در اصل از یک منبع یهودی یا مسیحی و غیر آن بازگردد، اطلاق می کنند. اسرائیلیات وارد آموزه های دینی شد و موجب پدیداری هرج و مرج در اعتقادات اعمال و اخلاق شد و این خود موجب پیدایش بدعت های یهودی و مسیحی در آموزه های اسلام گردید. علاوه بر تفاسیر منسوب به برخی از صحابه و تابعین، مانند ابن عباس، مجاهد، مقاتل بن سلیمان، ضحاک، سدی و دیگران که منبع اسرائیلیات هستند، برخی از تفاسیری که در قرن های بعدی نوشته شده و از نظم و ترتیب بهتری برخوردارند، نیز سرشار از روایت های اسرائیلی است. در حیطه بررسی اسرائیلیات از جمله قدیمی ترین کتبی که میتوان نام برد کتاب *تاریخ ابن خلدون* است. وی در مقدمه کتابش به طور گذرا درباره ورود اسرائیلیات سخن گفته است. علاوه بر کتب مختلف تفسیری از سده های نخستین تا دوره معاصر به خصوص کتب تفسیری روایی که به طور گذرا و در ذیل هر آیه به روایات اسرائیلی اشاره کردند، میتوان از کتاب هایی سخن گفت که بحث عمده از کتاب را به این موضوع اختصاص دادند. از جمله این کتب، *الاسرائیلیات فی التفسیر والحدیث* نوشته محمد حسین ذهبی است. در فصل اول پژوهش حاضر به معرفی محمد حسین ذهبی و بعضی از تألیفاتش (التفسیر والمفسرون، الاتجاهات المنحرفة و اثر اقامة الحدود) پرداخته شده است. در ادامه به معرفی چندین کتاب در موضوع مشابه نظیر، *الاسرائیلیات و اثرها* تألیف رمزی نغانة، *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر* تألیف محمد ابوشهبه، *اسرائیلیات و تاثیر آن بر داستان های انبیاء* تألیف حمید محمد قاسمی پرداخته و مقایسه ای مختصر بین کتب مذکور و *الاسرائیلیات فی التفسیر والحدیث* انجام شده است. در قسمت پایانی فصل اول نیز مفاهیم و اصطلاحات کلیدی و اساسی پژوهش تعریف شده است.

^۱ ذهبی، *الاسرائیلیات*، ص ۱۳.

در فصل دوم در جهت تبیین بهتر مسئله اسرائیلیات، به ارائه معنای لفظی و اصطلاحی اسرائیلیات پرداخته شده و در ادامه منابع اسرائیلیات (کتب تحریف شده تورات و انجیل و خیال پردازی و افسانه سرایی اهل کتاب) ذکر شده است.

در فصل سوم با عنوان تاریخچه اسرائیلیات، ابتدا عوامل و زمینه های نفوذ اسرائیلیات (مهاجرت یهود و تأثیر پذیری فرهنگ بر مسلمانان، ضعف فرهنگی عرب، وجوه اشتراک قرآن و عهدین، اسطوره گرایی و حس کنجکاوی مسلمانان، حذف اسناد، کینه توزی، سوء نیت یهود و قصه سرایان) ذکر شده و در ادامه نظریات مختلف آغاز پیدایش دروغ در حدیث و تقسیم بندی اسرائیلیات نوشته شده است. از دیگر مباحث فصل سوم، حکم روایت اسرائیلیات (ادله منع و ادله جواز) می باشد که در دو بخش ادله قرآنی و روایتی بررسی شده است.

فصل چهارم با عنوان مشهورترین روایان اسرائیلی به شرح احوال راویان در سه بخش (راویان روایات اسرائیلی از صحابه، تابعین و اتباع تابعین) اختصاص داده شده است. این فصل به ترتیب درباره ابهریره دوسی، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمرو بن العاص، عبدالله بن سلام، تمیم داری، کعب الاحبار، وهب بن منبه، محمد بن سائب کلبی، ابن جریج رومی، مقاتل بن سلیمان و محمد بن مروان سدی، می باشد.

فصل پنجم و آخر، به نمونه هایی از تفاسیر و رویارویی مفسران در برابر اسرائیلیات اختصاص داده شده است. جامع البیان تألیف طبری، تفسیر القرآن العظیم تألیف ابن کثیر، تفسیر مقاتل بن سلیمان، الکشف و البیان تألیف ثعلبی، لباب التأویل فی معانی التنزیل تألیف خازن، روح المعانی تألیف آلوسی و المنار تألیف عبده و محمدرشید رضا، کتب تفسیری است که شرحی از ویژگی های مفسرانش در برابر اسرائیلیات در این فصل آمده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ورود اسرائیلیات به منابع اسلامی و آمیخته شدن آن با روایات اصیل، آسیب فراوانی به فرهنگ اسلامی وارد کرده است. علمای مفسر و محدثان بزرگ جهان اسلام بدین خطر اذعان دارند و معتقدند هدف نهایی آوردن اسرائیلیات تباه کردن عقول مردم و نفوذ شک در نفوس آنهاست. اهمیت این تحقیق در بیان و شرح نظریات محمد حسین ذهبی درباره اسرائیلیات است.

سؤالات تحقیق

ویژگی کتاب *الاسرائیلیات فی التفسیر والحديث* چیست؟

روش وی در طرح و شرح موضوعات در کتابش چه بوده است؟

اهداف تحقیق

۱. آشنایی با نظریات محمدحسین ذهبی در رابطه با اسرائیلیات

۲. شناخت و نقد شیوه تألیف ذهبی و برخورد وی در برابر روایان اسرائیلی

۳. شناخت معیار ذهبی در بررسی کتب تفسیری

پیشینه

تا کنون کتابی در شرح و یا نقد *الاسرائیلیات فی التفسیر والحديث* ذهبی نوشته نشده است. اما محمد هادی معرفت در تفسیر و مفسران بر دیدگاه های ذهبی پیرامون اسرائیلیات که بیشتر برگرفته از کتاب *التفسیر والمفسرون* وی است، نقد نوشته است. از جمله موضوعات مورد نقد معرفت، پیرامون دیدگاه ذهبی درباره عدالت صحابه^۱، حکم جواز نقل اسرائیلیات^۲، رجوع ابن عباس به اهل کتاب^۳، وثاقت عبدالله بن عمرو بن العاص^۴، عبدالله بن سلام^۵، تمیم داری^۶ و کعب الاحبار^۷ است. هرچند دیدگاه معرفت در مباحثی مانند منشأ و مصادر اسرائیلیات، عوامل نفوذ

^۱ نک. معرفت، ۲۷۹/۱، ۱۱۵/۲.

^۲ نک. همو، ۹۲/۲.

^۳ نک. همو، ۲۰۹/۱-۲۴۵.

^۴ نک. همو، ۹۹/۲.

^۵ نک. همو، ۹۶/۲.

^۶ نک. همو، ۹۰/۲.

^۷ نک. همو، ۹۷/۲.

و تاریخچه آن با دیدگاه ذهبی همسو است. پایان نامه ای نیز تحت عنوان نقدی بر تفسیر و مفسران توسط حسین برومند در دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ دفاع شده است. این رساله مشتمل بر سه بخش اصلی و یک بخش ضمیمه است. در بخش نخست پیرامون تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) و بررسی میزان اعتبار و استحکام سخن وی بحث گردیده است. در بخش دوم به بررسی اظهارات ذهبی راجع به مجمع البیان پرداخته شده و در بخش سوم نقد و بررسی نوشته ذهبی پیرامون تفسیر الصافی مد نظر بوده و شرح داده شده است. با وجود اینکه عنوان پایان نامه "نقد" بر التفسیر و المفسرون است ولی در عمل نقد چندانی انجام نگرفته و قسمت اعظم پایان نامه "ترجمه" کتاب ذهبی است.

نوآوری تحقیق

کتاب، مقالات و پایان نامه هایی که تا کنون در زمینه اسرائیلیات انجام گرفته است. به دو بخش تقسیم میشود. قسمتی اسرائیلیات را درباره داستانهای قرآنی و یا روایات های مشهور تاریخی در حیطه مذهب مورد بررسی قرار دادند و قسمتی اسرائیلیات را در بعد عام آن و از نظر چگونگی ورود و عوامل تاثیر گذار بررسی کرده اند. اما این تحقیق از طرفی سعی در شرح و نقد کتاب یکی از بزرگترین علمای جهان اسلام و خاصه اهل سنت دارد. تا از رهگذر بررسی آرا و نظریات او به بررسی اسرائیلیات پرداخته شود. و از سویی دیگر سعی در بسط مسائل مطرح شده در کتاب چون ورود اسرائیلیات، انواع اسرائیلیات و نحوه برخورد علمای دینی و بقای اسرائیلیات تا عصر کنونی دارد.

روش تحقیق

پایان نامه حاضر به روش کتابخانه ای انجام شده است. بدین گونه که ابتدا نکات مورد نظر تحقیق، فیش برداری شده و در موضوعات متناسب دسته بندی گردید. سپس کتاب ها و منابع با راهنمایی استاد راهنما تهیه و مطالعه شد و نکات مورد نظر در فیش ها ثبت گردید و سرانجام در پرداخت نهایی و نگارش از آن استفاده شده است. قابل ذکر است در نحوه نگارش و ارجاعات از کتاب آیین نگارش نوشته احمد سمیعی استفاده کردم.

معرفی محمدحسین ذهبی

محمدحسین ذهبی، پژوهشگر و مؤلف آثاری در موضوع قرآن و حدیث، در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵ م در کفر الشیخ^۱ متولد شد. وی در دسوق^۲ و دانشگاه اسکندریه تحصیل کرد و به سال ۱۳۶۶ق درجه دکتری خود را از دانشکده اصول الدین دریافت نمود. او در آغاز خطیب و امام جماعت مساجد اوقاف بود. در دانشکده شریعه، الازهر و مدتی در عراق تدریس کرد و به ریاست دانشکده شریعه انتخاب گردید. سپس به سمت وزارت اوقاف مصر رسید و در سال ۱۳۹۷ق/۱۹۷۷ م، در مصر، ترور شد.^۳

گفتنی است که با وجود مراجعه به کتاب هایی همچون *الاعلام* نوشته زرکلی، *معجم المؤلفین* نوشته عمر رضا کحاله، و نیز پایان نامه هایی درباره این موضوع، درباره زندگی نامه ذهبی اطلاعاتی چندانی بدست نیاوردم. اوضاع سیاسی

پس از اعدام سید قطب در سال ۱۹۶۶م در مصر، شیوه های مبارزه بارژیم به گونه های مختلفی بروز کرد. عده ای به رهبری احمدشکری مصطفی، حزب جماعت المسلمین را تشکیل دادند و عزلت را در سایه تکفیر جامعه در پیش گرفتند. در سال ۱۹۷۵م، شیخ عبدالحمید محمود، فتوای جدید صادر کرد که بر ضد کمونیست ها صادر شده بود. در این فتوا از مکانیزم تکفیر استفاده شده بود، اتهام بی دینی که در همان زمان در سطح بسیار گسترده ای توسط گروه های تندروی اسلام گرا بر ضد مخالفان شان استفاده می شد. شیخ عبدالحمید محمود نوشت: ((کمونیسم کفر است و هر کس از آن حمایت کند ایمان ندارد)).^۴

التکفیر به عنوان گروه انشعابی از اخوان المسلمین، به ارکان پنج گانه ی اسلام به عنوان حداقل مبنای اعتقادی، شدیداً اعتقاد داشت و از برپایی مجدد جامعه ی پیامبر(ص) بشدت طرفداری می کرد. در واقع اعضای التکفیر معتقد بودند که تمام جوامع اسلامی از زمان پیامبر(ص) و چهار خلیفه راشدین به بعد، کافران را در بر می گیرند. در ادامه موج تروری که این گروه رهبری می کرد، در سال ۱۹۷۷م، تعدادی از اعضای این گروه به خانه ذهبی

^۱ کفر الشیخ نام شهر و استانی در مصر، واقع در ۱۴۰ کیلومتری شمال قاهره و ۹۰ کیلومتری شرق اسکندریه است.

^۲ نام شهرستانی در استان کفر الشیخ است.

^۳ رضایی اصفهانی، محمد علی، (آشنایی با شخصیت و آثار دکتر محمدحسین ذهبی)، طلوع، قم، شماره ۱۲، سال ۱۳۸۳، ص ۲۰۵.

^۴ نک. زغال، ملیکه، دین و سیاست در مصر، ترجمه عباس کاظمی، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۹۰، ص ۹.

حمله، او را ربودند و به محل نامعلومی بردند. همزمان بازداشت های وسیعی در میان اسلام‌گرایان مصری آغاز شد تا مگر سرنخی از محل اختفای ذهبی به دست آید. همراه با آن، مقالات انتقادآمیزی به چاپ می‌رسید که اندیشه‌های گروه‌های اسلامی را به باد نکوهش می‌گرفت و سرانجام، کار با کشته شدن ذهبی به دست گروه یاد شده-به گمان روزنامه‌ها-و اعدام چند تن از اعضای «التکفیر و الهجرة» پایان پذیرفت.^۱ در مورد علت قتل او گفته شده که به خاطر اسنادی که در مدت وزارت او در دستش بوده و یا به خاطر برخی تندروها و حملات به مذاهب اسلامی کشته شد.^۲ البته عده ای نیز ترور ذهبی را از گروه التکفیر نفی کرده اند و معتقدند رژیم حاکم در مصر آن زمان، شیوه تکفیر و هجرت جماعت المسلمین را تحمل نکرد و در یک توطئه تنظیم شده، زمینه گروگانگیری ذهبی را فراهم ساخت. در پی قتل وی نیز جماعت المسلمین سرکوب و شکرى مصطفى به همراه چند تن دیگر اعدام شدند.^۳

۱. تألیفات

ذهبی دارای تألیفات بسیاری است از جمله: التفسیر و المفسرون در سه مجلد، مقدمة فى علم التفسیر، مقدمة فى علوم القرآن، مقدمة فى علوم الحديث، الوحى و القرآن الکریم، مشکلات الدعوة و الدعوات، اثر اقامة الحدود فى استقرار المجتمع، الاسرائیلیات فى التفسیر و الحديث، الاتجاهات المنحرفة فى التفسیر، الشریعة الاسلامیة (دراسة مقارنة بین مذاهب اهل السنة و مذهب الجعفریة)، الاسلام و اهل الذمة، نور الیقین من هدی خاتم المرسلین.^۴

۱-۱. التفسیر و المفسرون

این کتاب در سه مجلد به چاپ رسیده است. گفته اند که مجلد سوم پس از فوت ذهبی گردآوری و چاپ شده است. مباحث اصلی کتاب عبارتست از: تفسیر در عهد پیامبر اکرم (ص) و صحابه، تفسیر در عصر تابعین، تفسیر در عصر تدوین، تفسیر به رأی، دیدگاه شیعه درباره تفسیر قرآن کریم، تفسیر فقهاء و تفسیر علمی. ذهبی در این کتاب به بیان انواع روش های تفسیری و شرایط مفسر می پردازد.

^۱ زغال، ص ۱۱۰.

^۲ رضایی اصفهانی، ص ۲۱۰.

^۳ توکلی، یعقوب، اسلام‌گرایی در مصر، موسسه چاپ و انتشارات حدیث، تهران، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۰.

^۴ رضایی اصفهانی، ص ۲۰۶.

این کتاب برای پژوهش در حوزه علوم قرآنی مأخذی مهم به شمار می رود. وی در جلد اول، باب سوم، هنگامی که از ضعف در روایت تفسیر اثری سخن می گوید، «اسرائیلیات» را از «اسباب الضعف» برشمرده و درباره معنا و مراد از آن، منشأ ورود اسرائیلیات، اثر اسرائیلیات بر تفاسیر، موضع مفسر در برخورد با آن و انواع روایات اسرائیلی سخن می گوید. وی در ادامه از مشهورترین راویان اسرائیلی، عبدالله بن سلام، کعب الاحبار، وهب بن منبه، عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج سخن گفته است. (۱/۱۶۵-۲۰۴)

۱-۲. الاتجاهات المنحرفة فی تفسیر القرآن، دوافعها و دفعها

قسمت عمده این کتاب برگرفته از *التفسیر والمفسرون* است و قسمت دیگر کتاب درباره مفسرانی است که تفسیرشان از انحرافات و اشتباه مصون نمانده است. این کتاب یک مقدمه و نه مقاله دارد. ذهبی، در مقدمه از تاریخچه تفسیر، تفسیر در عهد پیامبر اکرم (ص)، سپس صحابه و بعد از آن تفسیر در دوره تدوین صحبت به میان می آورد. نه مقاله به ترتیب در باره این موارد است: گرایش اخباری ها و قصاص، مذاهب نحوی، مفسر ناآگاه به قواعد نحوی، معتزله، شیعه، خوارج، صوفیه، تفسیر علمی و گرایش مدعیان تجدید. در هر قسمت، ابتدا به توضیح آن گرایش و عقاید آنان سخن می گوید. سپس نمونه هایی را از تفاسیر آنان و نقاط انحراف آنان می آورد و در پایان در رد تأویلات آن ها سخن گفته است. وی در قسمتی از کتابش با تفسیر شیعه و عقایدی مانند عصمت، مهدویت، رجعت و تقیه مخالفت کرده است.

۱-۳. اثرا قامة الحدود فی استقرار المجتمع

این کتاب با ترکیب و محتوایی متفاوت از دو کتاب گذشته ذهبی، نوشته شده است. در مقدمه اشاره شده که این کتاب در سال ۱۹۷۶م برای ارائه در کنفرانس فقه اسلامی که در ریاض تشکیل شده بود، آماده گشت. در این کتاب ۸۵ صفحه ای ذهبی درباره اسلام، شخصیت انسان در نگاه اسلام، جایگاه اجرای حدود در نظام اسلامی و نقش اجرای حدود در بقای ارزش های انسانی، سخن گفته است.

این کتاب از دو جنبه کلی به لحاظ صورت و از نظر محتوا بررسی و ارزیابی می شود:

۱-۴-۱. جنبه صوری

۱-۴-۱-۱. کتاب در ۱۷۵ صفحه توسط نشر دارالکتب در سال ۱۹۹۰ م چاپ شده است. ۱۲ صفحه به مقدمه

۲۱، صفحه به فصل اول و بعد از آن ۵۹ صفحه به فصل دوم و ۶۸ صفحه به فصل سوم اختصاص یافته است. کتاب شامل فهرست مطالب در پایان کتاب است و بدون فهرست منابع، فهرست اعلام و فهرست آیات و احادیث به چاپ رسیده است. فهرست الفبایی اعلام، نمونه برداری از کتاب را تسهیل می بخشد. با وجود این، فهرست اعلام یا فهرست راهنما در کتاب چاپ نشده است. به کمک این فهرست چند صفحه ای خواننده می تواند به راحتی درباره اشخاص و مطالب مهم به متن مراجعه کند. باورقی های توضیحی در کتاب اندک است.^۲

۱-۴-۱-۲. ذهبی کتابش را این گونه تقسیم و عنوان بندی کرده است: فصل اول را با عنوان معنای

اسرائیلیات و چگونگی نفوذ آن و میزان خطر آن بعد از یک پیشگفتار و مقدمه آغاز می کند. در این فصل علاوه بر معنی اسرائیلیات درباره چگونگی نفوذ اسرائیلیات و میزان خطر آن بر عقاید مسلمانان بحث می کند. در فصل دوم با عنوان اقسام اسرائیلیات و حکم روایات و مشهورترین روایان، به بحث و بررسی اقسام اسرائیلیات، حکم روایت اسرائیلیات (ادله منع و ادله جواز)، توفیق بین ادله منع و اباحه، خلاصه سخن درباره آن، مقاله ابن تیمیه و بقاعی، مشهورترین روایان صحابه (ابوهریره، عبدالله بن سلام، عبدالله بن عمرو بن العاص، عبدالله بن عباس و تمیم داری) مشهورترین روایان تابعین (کعب و وهب بن منبه) و مشهورترین روایان اتباع تابعین (کلبی، ابن جریج، مقاتل بن سلیمان و محمد بن مروان سدی) پرداخته است. فصل سوم با عنوان اسرائیلیات در کتاب های تفسیر و حدیث به این بخش ها تقسیم می شود: اسرائیلیات در کتاب های تفسیری شامل تفسیر (جامع البیان، القرآن العظیم، مقاتل بن سلیمان، الکشف والبیان، لباب التأویل فی معانی التنزیل، روح المعانی و المنار)، توجیه برخی مفسران در آوردن روایات اسرائیلی در کتبشان و اسرائیلیات در کتب حدیث؛ در قسمت خاتمه نیز ذهبی درباره آنچه که مفسر باید در برخورد با روایات اسرائیلی انجام دهد، سخن گفته است.

^۱ در ادامه رساله این کتاب با نام الاسرائیلیات ذکر می شود.

^۲ نک. ذهبی، محمد حسین، الاسرائیلیات فی التفسیر والحديث، مکتبه وهبه، ج ۴، قاهره، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲، ۳۹، ۱۴ و ۴۳.

۱-۴-۱-۳. قسمت ابتدای کتاب یعنی فصل اول را با سؤال وجواب پیش برده است. نثر روان از محاسن کتاب وی است. هرچند در بعضی از مواضع، تکرار در مطالبش هویدا است. به عنوان مثال در دفاع از راویان صحابه در نقل اسرائیلیات مکرراً تأکید می‌کند که مراجعه آنان بر اساس اصول شرع و موافقت با شرع بود.^۱

۱-۴-۱-۴. از دیگر محسنات کتابش این است که در ابتدای هر مبحث مقدمه ای مختصر برای توضیح و تبیین موضوع می‌آورد. به عنوان مثال در بحث و بررسی از کتب تفسیری، مقدمه مختصری را می‌نویسد و در آن به تقسیم بندی کتب تفسیری پرداخته است.^۲ این رویه همچنین در توضیح درباره راویان اسرائیلی نیز اعمال شده است.^۳

۱-۴-۱-۵. کتاب برای خواننده متخصص نوشته نشده، بلکه گزیده گویی و ساده نویسی ذهبی آن را برای همه قابل فهم کرده است و همه با خواندن کتابش با موضوع و هدف کتاب آشنا می‌شوند.

۱-۴-۱-۶. با اینکه نام کتاب، اسرائیلیات در تفسیر و حدیث، است ولی حجم بسیار کمی از کتاب (دو صفحه) در پایان به توضیح مختصری درباره اسرائیلیات در حدیث پرداخته شده؛ این موضوع هیچ تناسبی با عنوان کتاب ندارد و شایسته بود نام کتاب اسرائیلیات فی التفسیر بود تا انتظار خواننده از عنوان، با حجم مطالب کتاب مطابقت می‌داشت.

۱-۴-۱-۷. از عیوب ظاهری کتابش ارجاعات ناقص و مبهم در لابلای کتاب است. به نحوی که به شیوه معمول به ذکر کامل آدرس کتاب مورد استفاده، اشاره نمی‌کند. به عنوان مثال بعد از نقل قولی از کتاب اسد الغابه به نوشتن نام کتاب و ناشر آن اکتفا می‌کند.^۴

۱-۴-۱-۸. علائم نگارشی مانند کاما، نقطه و دو نقطه در بعضی از جاهای کتاب رعایت نشده است.^۵ نبود علائم نگارشی، کارفهم و درک کامل متن را با مشکل مواجه می‌کند.

^۱ ذهبی، اسرائیلیات، ص ۶۹، ۶۴، ۵۶.

^۲ همان، ۹۵.

^۳ همان، ۵۵.

^۴ همان، ص ۶۵.

^۵ همان، ص ۲۶.

۱-۴-۱-۹. یکی از عیوب ظاهری کتاب نداشتن فهرست منابع است، وی در مجموع از ۵۴ منبع استفاده مستقیم کرده است. با بررسی منابعی که ذهبی در لابلاي کتاب خود بدان اشاره کرده است میتوان منابع مورد استفاده وی را بدین شرح نام برد:

- ابن اثیر، محمد بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابة، الوهبيّة، ۳۱۷/۵.^۱
- ابن اثیر، محمد بن محمد، الكامل، الاميرية، بی جا، بی تا، ۲۶/۷.^۲
- ابن تیمیه، مقدمه ابن تیمیة فی اصول التفسیر، الترقی، دمشق، بی تا، ص ۲۶.^۳
- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، الاميرية، بی جا، بی تا، ۱۱۲/۱.^۴
- ابن حجر، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، السعادة، ۲۱/۴.^۵
-، تقریب التهذیب، بی جا، بی تا، ۶/۱.^۶
-، تهذیب التهذیب، الهند، بی جا، بی تا، ۴۴/۸.^۷
-، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الخيرية، بی جا، بی تا، ۳۸۹/۸.^۸
- ابن حنبل، احمد، مسند، الميمنية، ۳۸۷/۳.^۹
- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه تاریخ، الشرقية، بی جا، بی تا، ص ۴۹۱.^{۱۰}
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، بی جا، بی تا، ۴۳۷/۳.^{۱۱}

^۱ ذهبی، الاسرائیلیات، ص ۵۹.

^۲ همان، ص ۱۷.

^۳ همان، ص ۴۵.

^۴ همان، ص ۲۰.

^۵ همان، ص ۵۹.

^۶ همان، ص ۸۷.

^۷ همان، ص ۷۵.

^۸ همان، ص ۳۹.

^۹ همان، ص ۴۲.

^{۱۰} همان، ص ۲۵.

^{۱۱} همان، ص ۸۵.

- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان، علوم الحديث، بمبى، بى، تا، ص ٤٧.^١
- ابن عبدالبر، الاستيعاب فى معرفة الاصحاب، السعادة، ٣٤٧/٢.^٢
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، تأويل مختلف الحديث، كردستان، بى، تا، ص ٣٥٦.^٣
- ابن كثير، اسماعيل، البداية والنهاية، السعادة، ١٠٨/٨.^٤
-، تفسير القرآن العظيم، التجارية، بى، تا، ٣/٣٣، ١/١٠٩ و ١٤١، ٢/٣٧، ٣/١٨١.^٥
- ابن السبكي، تقى الدين، طبقات الشافعية، بى، جا، بى، تا.^٦
- ابن هشام، محمد بن اسحاق، سيره ابن هشام، حجازى، ١٠٤/٢.^٧
- ابوريه، محمود، اضواء على السنة المحمدية، بى، جا، بى، تا، ص ١٢٥.^٨
- ابوزهو، محمد، الحديث والمحدثون، الخيرية، ص ١٤٤.^٩
- ابوسعود، تفسير ابى السعود، المصرى، بى، جا، بى، تا، ٣/٣٣.^{١٠}
- المزى، يوسف، تهذيب الكمال، بى، جا، بى، تا، ص ٣٣١.^{١١}
- آلوسى، محمود، تفسير آلوسى، بى، جا، بى، تا، ٢/١، ٢/٢٧٣، ٢/٢١، ٢/٣٤١، ١٦٨-١٦٩، ٦/٨٦-٦/٨٧، ٦/٣٤١-٦/٣٤٢، ٩/٣٤٢، ١٢/١٦٨، ١٩/٤٥، ٢١/١٥٩، ١٣/٧٤، ٢٣/٣١، ٢٣/١٦٧، ٢٢/١٨٨، ٢٣-٢٤.^{١٢}

^١ ذهبى، الاسرائيليات، ص ٥.

^٢ همان، ص ٦٦.

^٣ همان، ص ٢٧.

^٤ همان، ص ٧٦.

^٥ همان، ص ١١.

^٦ همان، ص ١٢٠.

^٧ همان، ص ١٧.

^٨ همان، ص ٥٨.

^٩ همان، ص ٦٦.

^{١٠} همان، ص ١١.

^{١١} همان، ص ٨٩.

^{١٢} همان، ص ١٣٦-١٤٧.

- رشيد رضا، محمد، تفسير المنار، نشر المنار، ١/٩.
- سيوطي، جلال الدين، الاتقان في علوم القرآن، الكستلية، بي جاي، تا، ٢/٢٢٤.
-، تاريخ الخلفاء، بي جاي، تا، ص ٢٤٦.
-، تحذير الخواص من اكاذيب القصاص، ٥١-٥٢.
-، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، الميمنية، ٤/٤٢٣.
- شاکر، احمد، عمدة التفسير، بي جاي، تا، ١/١٥.
- طبري، محمد بن جعفر، تاريخ طبري، دار المعارف، بي جاي، تا، ١/٨.
-، جامع البيان في تفسير القرآن، الاميرية، بي جاي، تا، ١٥/٣٣، ١٢/٢٢، ٢٣/١٠١.
- ١٦/٣٩، ٢٢ / ١٠، ١٣/١٦، ٣/١٢، ١٨/١٠٣.
- دروزه، محمد، بنو اسرائيل من اسفارهم، ص ٣١٥.
- علي، جواد، تاريخ العرب قبل الاسلام، بي جاي، تا، ٦/٢٤.
- غزالي، ابي حامد محمد بن محمد، الاحياء، لجنة النشر الثقافة الاسلامية، ١/٥٨.
- قرطبي، محمد بن احمد، تفسير قرطبي، دار الكتب المصرية، ١٥/٢٩٤.

^١ ذهبي، الاسرائيليات، ص ٧٩.

^٢ همان، ص ٨٦.

^٣ همان، ص ٢٧.

^٤ همان، ص ٢٨.

^٥ همان، ص ٨٦.

^٦ همان، ص ١٦٧.

^٧ همان، ص ١٦٢.

^٨ همان، ص ٩٧-١٠٦.

^٩ همان، ص ١٥.

^{١٠} همان، ص ١٥.

^{١١} همان، ص ٢٦.

^{١٢} همان، ٣٣.

- کوثری، محمد زاهد، مقالات الكوثری، چاپ الأنوار، بی جا، بی تا، ص ۳۴.^۱
- گلدزیهر، المذاهب الاسلامیه فی تفسیر القرآن، ترجمه علی حسن عبدالقادر، العلوم، ص ۶۵.^۲
- مقاله شیخ محمد ابوزهره در مجله لواء الاسلام، شماره ۸، سال پنجم، ۲-۵.^۳
- مقاتل بن سلیمان بن بشیر، تفسیر مقاتل، بی جا، بی تا، ۱، ۲/ ۱، ۲/ ۸۲۷، ۲/ ۱۴۴۴، ۲/ ۱۷۱۲، ۱۶۶۱/ ۱۱۷۹، ۲/ ۱۱۷۹، ۲/ ۱۱۸۱، ۲/ ۸۶۸، ۲/ ۸۶۹، ۲/ ۱۲۵۲.^۴
- نووی، محیی الدین، تهذیب الاسماء واللغات، المنیریه، ۲/ ۶۸.^۵
- نووی، محیی الدین، شرح علی صحیح مسلم، حجازی، ۱۸/ ۸۱.^۶
- ولفسون، اسرائیل، تاریخ اليهود فی بلاد العرب، بی جا، بی تا، ص ۹.^۷

^۱ ذهبی، الاسرائیلیات، ص ۱۶۱.

^۲ همان، ص ۶۱.

^۳ همان، ص ۱۴.

^۴ همان، ۱۱۵-۱۲۲.

^۵ همان، ص ۷۵.

^۶ همان، ص ۷۲.

^۷ همان، ص ۱۵.

عنوان مقدمه "رابطه قرآن با کتب آسمانی" با متن اصلی مطابقت دارد. مقدمه، ساده فهم و به صورت سازمان یافته نوشته شده است. هدف از نوشتن مقدمه این است که زمینه اطلاعاتی لازم برای خواننده فراهم آید. این هدف به خوبی توسط ذهبی در مقدمه دنبال شده است. بدین صورت که وی ابتدا به رابطه قرآن و سنت اشاره می کند و این که در قرآن قواعد عام و اصول مجمل آمده و برای تفصیل آنها به سنت نیاز است. به همین دلیل مسلمانان در جهت حفظ و فهم قرآن به ایجاد قواعدی برای تمییز احادیث دست زدند. با این وجود سنت از پدیده جعل مصون نماند. سپس در صفحات بعدی برای اثبات تحریف تورات و انجیل به دو دلیل بیرونی و درونی اشاره می کند. وجود تناقضات در مطالب را به عنوان دلیل درونی و آیات قرآنی دال بر تحریف را به عنوان دلیل بیرونی ذکر می کند. ذهبی از این مقدمه سود می برد تا اهمیت موضوع را آشکار کند و در ادامه به جاودانگی قرآن و مصونیت آن از تحریف اشاره می کند. مقدمه کتاب، سراسر بیانگر اهمیت قرآن به عنوان مرجع هدایت مسلمانان است. در مقدمه بیشترین حجم استشهدات قرآنی (۲۲ آیه) آمده، در حالی که حجم کل این قسمت ۱۰ صفحه است. وی از این شواهد در جهت تبیین مقصود خود بهره گرفته است. جا داشت وی، سابقه پژوهش در زمینه اسرائیلیات را نیز در مقدمه جای دهد.

ذهبی بعد از این که درسطوری به اهمیت قرآن و سنت در جهت هدایت مسلمانان اشاره می کند، گریزی به هجمه جعل و ورود اسرائیلیات در تفسیر وحی می زند و در ادامه تأکید می کند که بر دانشمندان اسلامی است که چهره اسلام را از ابهاماتی که آن را دربر گرفته پاک کنند. در ادامه به نقش دانشگاه الازهر به عنوان یکی از مراکز علمی جهان اسلام اشاره می کند و بر خود به عنوان فرزندی از فرزندان الازهر واجب می داند که درباره اسرائیلیات در تفسیر و حدیث کتاب بنویسد و اشاره می کند که موضوع این کتاب یکی از موضوعات پیشنهادی مجلس مباحث اسلامی در سال ۱۳۸۷ ق (۱۹۶۸ م) بوده است. هرچند وی هدف خود را زدودن غبار اسرائیلیات از چهره اسلام معرفی می کند، ولی با جانبداری از راویان اسرائیلیات چون کعب الاحبار و وهب بن منبه عملاً موفق بدین کار نشده است.

در ادامه به عقیده گروهی بنام کرامیه نیز اشاره کوتاهی می‌کند. بر طبق نظر این گروه دروغ بر رسول خدا(ص) کذب حرام است ولی دروغ در راستای اهداف رسول خدا(ص) دروغ و کذب محسوب نمی‌شود، چرا که در جهت گسترش تعالیم است. ذهبی با این اندیشه مخالفت کرده و معتقد است، این فهم نادرستی از حدیث "من کذب علی معتمدأفلیتبوا من النار" است و بهر صورت کذب بر پیامبر (ص) است.^۱

۱-۴-۲-۳. فصل اول

عنوان "معنای اسرائیلیات، چگونگی نفوذ آن‌ها و میزان خطر اسرائیلیات بر عقاید مسلمانان" با متن فصل مطابقت دارد. در ابتدای فصل، ذهبی با نثری روان و ساده فهم از معنای اسرائیلیات سخن می‌گوید و دیدگاه خود را به صورت دقیق بیان می‌کند و با اطاله کلام، مقصود اصلی را ناگفته و مبهم نگذاشته است، ولی در مبحث معنای لغوی و اصطلاحی اسرائیلیات به اقوال علماء اشاره ای ندارد و برای هر یک تنها یک تعریف ارائه می‌دهد. وی برای ذکر مصادیق اسرائیلیات به دو داستان اسرائیلی مشهور در تاریخ اسلام اشاره می‌کند: قصه غرانیق و قصه زینب دختر جحش و ازدواج وی با پیامبر(ص)؛ با ارائه توضیحی منطقی و مستدل و اشاره به نقل قول‌های مخالف با این دو روایت از ابن کثیر، آلوسی، ابوزهره و فخرالدین رازی، این دو روایت را جعلی می‌داند. وی در این قسمت اشاره ای گذرا به عبدالله بن سبأ و فرقه سبئیون می‌کند، بی‌آنکه ارتباطش را به موضوع اسرائیلیات توضیح دهد.

در ادامه از تأثیرپذیری فرهنگ عرب از یهود در مدت زمانی قبل و بعد از اسلام سخن می‌گوید ولی به شرح کافی مقصود خود نمی‌پردازد. تفسیر و حدیث را به دو مرحله متمایز روایت و تدوین تقسیم کرده است. وی همچنین درباره بدو ورود اسرائیلیات به تفسیر حدیث دیدی خطا پوشانه دارد و آن را این گونه توجیه می‌کند که صحابه علاقه مند به دانستن تفصیل حوادث بودند و مراجعه آنان به کتب اهل محدود بوده است. و آغاز جریان ورود زبان بار اسرائیلیات را مربوط به دوره تابعین می‌داند.^۲

^۱ ذهبی، الاسرائیلیات، ص ۵.

^۲ نک. همان، ص ۱۳-۳۴.

فصل دوم در بیان اقسام اسرائیلیات و حکم روایت [کردن] آن و مشهورترین راویان اسرائیلی است. ذهبی

ابتدا اسرائیلیات را به اعتبارهای مختلف دسته‌بندی کرده است:

۱-۴-۲-۴-۱. به اعتبار صحت و عدم صحت به دو قسم صحیح و ضعیف، که موضوع از انواع قسم اخیر

است، اشاره کرده است. آن گاه برای هر یک مثالی یاد می‌کند. از اسرائیلیات صحیح مواردی چون وصف

پیامبر(ص) در تورات را می‌توان نام برد و از اسرائیلیات غیر صحیح می‌توان داستان کوه قاف را یادآور شد.

۱-۴-۲-۴-۲. به اعتبار موافقت با اسلام و مخالفت با آن یا آنچه که اسلام درباره آن سکوت کرده است.

برای نمونه ای از اعتبار اول می‌توان از روایاتی که موافق با احادیث اسلامی است یاد کرد. مثلاً روایتی که از تبدیل

زمین به نان در روز قیامت خبر می‌دهد و از جمله اخبار اسرائیلی که مخالف روایات اسلامی است، می‌توان به

روایتی اشاره کرد که بر اساس آن هارون، گوساله ای برای بنی اسرائیل ساخت و آن‌ها را به عبادت آن فراخواند. از

جمله اخباری هم که اسلام درباره آن سکوت کرده، داستانی است که ذهبی در ذیل تفسیر آیه ((وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ))^۱، بقره/۶۷/۲، درباره کشته

شدن مردی از بنی اسرائیل به دست برادرزاده اش را آورده است.^۲

۱-۴-۲-۴-۳. اسرائیلیات به اعتبار موضوع خبر: آنچه متعلق به عقاید است، آنچه متعلق به احکام است و

آنچه متعلق به مواعظ و حوادث است. ذهبی در ادامه فصل، دو نوع ادله قرآنی و حدیثی برای نقل اسرائیلیات را ذکر

کرده است و به جمع دو دلیل مخالف و موافق نقل اسرائیلیات می‌پردازد. وی سپس مشهورترین راویان اسرائیلیات

را نام می‌برد و به توضیح وثاقت یا عدم وثاقت هر کدام می‌پردازد.

^۱ (و هنگامی که موسی به قوم خود گفت خدا به شما فرمان می‌دهد که ماده گاوی را سر ببرید گفتند آیا ما را به ریشخند می‌گیری گفت پناه می‌برم به خدا که [می‌آید] از جاهلان باشم).

^۲ نک. ذهبی، *الاسرائیلیات*، ص ۳۷.

ذهبی به استناد آراء رجالی اهل سنت، تمام صحابه را از اتهامات میرا دانسته است و می نویسد که صحابه در مراجعه به اهل کتاب از آن روشی که پیامبر(ص) برای آن ها ترسیم کرده بود، پیروی می کرده اند و جز در آن چه که پیامبر(ص) تعیین کرده بود، از اهل کتاب سؤال نمی پرسیدند.^۱ در ادامه، از رجوع تابعین به اهل کتاب نیز جانبداری می کند. به عنوان نمونه، ذهبی از کعب الاحبار که به زعم وی مظلوم واقع شده است^۲ و وهب بن منبه که به گفته خود او اسرائیلیات و قصه های صحیح و غیر صحیح بسیار به او نسبت داده اند، جانبداری کرده است.^۳ اما پس از صحابه و تابعین یکباره نظر ذهبی تغییر می کند، او روایت از محمد بن سائب کلبی^۴ و نیز عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج^۵ که طبری بسیار از او نقل کرده است، صحیح نمی داند. شَرِّ علم مقاتل بن سلیمان را بیشتر از نفع او می داند و معتقد است او راوی خرافات و مروج اسرائیلیات است.^۶

۱-۴-۲-۵. فصل سوم

در فصل سوم کتاب که به اسرائیلیات در کتابهای تفسیر و حدیث اختصاص دارد، ذهبی به معرفی مفصل کتب تفسیری که اسرائیلیات را نقل کرده اند، پرداخته و به اجمال از کتب حدیث یاد کرده است. وی بر اساس روش نویسندگان در نقل روایات اسرائیلی، آنها را در شش دسته گرد آورده و به بیان مشهورترین آنها پرداخته است:

۱-۴-۲-۵-۱. تفاسیر

۱-۴-۲-۵-۱-۱. تفاسیری که مؤلف، اسرائیلیات را چه آنچه که در نظرش مقبول بوده و چه آنچه غیر مقبول می دانسته، با سند کامل آورده و به این ترتیب وظیفه نقد را بر عهده خواننده نهاده است و از نمونه های آن تفسیر جامع البیان طبری است.

^۱ ذهبی، الاسرائیلیات، ص ۵۶.

^۲ همان، ص ۱۰۴.

^۳ همان، ص ۸۳.

^۴ نک. همان، ص ۸۶.

^۵ نک. همان، ص ۸۹.

^۶ نک. همان.

۱-۴-۲-۵-۱-۲. تفاسیری که مؤلف اسرائیلیات را با سند یاد کرده و خود به نقد آنها پرداخته است. از این

دسته باید از تفسیر القرآن العظیم حافظ ابن کثیر یاد کرد.

۱-۴-۲-۵-۱-۳. تفاسیری که هر نوع اسرائیلیاتی را بدون سند و نقد ذکر کرده‌اند که از جمله آنهاست:

تفسیر مقاتل بن سلیمان که به قول ذهبی تفسیر او آکنده از خرافات^۱ است. تفسیر دومی در این دسته، تفسیر الکشف

و البیان عن تفسیر القرآن تألیف ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری است که به دلیل واعظ بودن ثعلبی و میل

او به ذکر قصص عجیب پر از داستان‌های ساختگی است.

۱-۴-۲-۵-۱-۴. تفاسیری که اسرائیلیات را بدون سند نقل کرده است، اما گهگاه به ضعف و عدم صحت

آنها با کلمه "قیل" اشاره نموده و گاهی هم عدم صحت روایت را صریحاً بیان می‌کند. در مواردی، روایت ضعیفی را

می‌آورد و در نقد آن هیچ نمی‌گوید. از جمله آنهاست: تفسیر الخازن یا لباب التأویل فی معانی التنزیل، اثر

علاءالدین ابوالحسن علی بن محمد الشیخی حلبی معروف به خازن که به دلیل شغلش (کتابداری خانقاه دمشق) و

واعظ و متصوف بودن خازن، کتابی آکنده از اسرائیلیات و خرافات پرداخته است.

۱-۴-۲-۵-۱-۵. تفاسیری که اسرائیلیات را بدون سند ذکر کرده اما به نقد آنها، جز در موارد نادر، پرداخته

است از جمله آنها روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی ابوالثناء شهاب‌الدین محمود آلوسی است که

گاه به صراحت و گاه به کنایه به نقد اسرائیلیات پرداخته است.

۱-۴-۲-۵-۱-۶. تفاسیری که ضمن حمله به مفسرانی که در کتب خود اسرائیلیات را ذکر کرده‌اند، خود در

برخی از مواضع کتبشان اسرائیلیات را ذکر کرده‌اند و از جمله آنهاست: تفسیر المنار، لحن ذهبی در مورد این کتاب

نیز از تعصب خالی نمانده است. آن هم به دلیل حمله صاحب المنار به کعب الاحبار و ابوهریره. ذهبی به اختصار

درباره کتب حدیثی که در آن اسرائیلیات آمده، سخن گفته و در پایان پیشنهادهایی ارائه کرده است، از جمله پاک

کردن تفاسیر از اسرائیلیات توسط علما و چاپ مجدد آن و یا حداقل نوشتن تعلیقه و لزوم نگهداری میراث اسلامی و

سرانجام نگارش تفسیری نو و خالی از اسرائیلیات و نیز پژوهش در خصوص اسرائیلیات و گردآوری همه آنها در

کتابی مستقل برای روشنگری اذهان و پرهیز از نقل آنها.

^۱ ذهبی، الاسرائیلیات، ص ۱۵۴.

نکات محتوایی کتاب:

۱) کتاب *الاسرائیلیات فی التفسیر والحديث* که شرح و نقد آن در ادامه می آید، چون دیگر آثار ذهبی مورد اقتباس دیگر علمای شیعه و سنی واقع شده است. هرچند بنا بر آنچه ذکر خواهد شد در موضوعی از اصول علمی دور شده و رنگ تعصب بر خود گرفته است.

۲) از نقاط مثبت کتاب وی مقدمه کتاب است، ذهبی در چینی استوار و سنجیده ابتدا از رابطه اسلام با ادیان دیگر و قرآن با کتب آسمانی دیگر سخن می گوید و در این قسمت شواهد قرآنی زیادی را برای این ارتباط و در ادامه برای تأیید انحراف و تحریف در کتب می آورد. ذهبی در ادامه این مقدمه به انحراف ناپذیری قرآن اشاره می کند تا ناظر بودن و نگهبان بودن آن را بر کتب پیشینیان به اثبات برساند.

۳) هرچند کتاب ذهبی به اجمال به توضیح مسائل پرداخته، ولی در قسمت پایانی کتاب که مربوط به انواع راویان روایات اسرائیلی است، برای تبیین موضوع روایات فراوانی را ذکر می کند که از نقاط مثبت کتاب محسوب می شود.^۱

۴) او در لابلای کتاب چون دیگر کتابهایش، *التفسیر و المفسرون و اثر اقامة الحدود* استشهادات فراوان قرآنی را ذکر می کند.^۲

۵) در مواردی، اگر روایتی به شیوه دیگر نیز روایت شده است، آن را ذکر و وجوه اختلاف دو روایت را متذکر می شود.^۳

۶) وی در موضوعی از کتابش به بررسی سندی روایات می پردازد.^۴

۷) از منابع تنها در حد نقل قول های پراکنده استفاده کرده است. وی در ادامه نقل قول ها، راه حل تازه ای را در انتهای هر مبحث، ارائه نداده است. وی در بعضی مواضع، مأخذ و منبع سخن خود را مشخص نمی کند. به عنوان

^۱ نک ذهبی، *الاسرائیلیات*، ص ۵۸-۹۴.

^۲ همان، ص ۱۲۵، ۱۰۲، ۶۷، ۶۳، ۴۰، ۳۰، ۱۰، ۳۸.

^۳ همان، ص ۳۵، ۴۰.

^۴ همان، ص ۴۲-۴۳.